هو الله - لک الحمد یا إلهی بما کشفت الغطاء وهتکت الحجاب…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۸۹

## **هو الله**

لک الحمد یا إلهی بما کشفت الغطاء وهتکت الحجاب و أوقدت سراج الهدی فی قلوب نفوس انجذبوا الی مشاهدة الجمال فی الأفق الأعلی و هدیتهم الی المنهج القویم و الصراط المستقیم. حتی سلکوا فی المحجة البیضاء و وردوا علی الشریعة السمحة النوراء. و شربوا من زلال العرفان و ترنّحوا من نسائم رياض الايقان. ربّ ربّ انزلهم منزلا مبارکا و ادخلهم مدخل صدق و اجعلهم آیات الثبوت و الرسوخ بین خلقک و رایات العزة و الحبور بین عبادک لا تزعزعهم زوابع الامتحان و لا تزلزلهم قواصف الأفتتان و یقوموا علی نصرة أمرک و نشر نفحاتک و هدایة الّذين احتجبوا بعد ما آمنوا و نکثوا بعد ما عاهدوا و رجعوا بعد ما أقبلوا فهاموا فی فلوات الظلام و احتجبوا عن مشاهدة نور الجمال مع ذلک انهم عبادک و خلقک، منهم ضعفاء يستحقّون فضلک و عنایتک و فقراء یحتاجون الی کنز غنائک رب رب انهم عمی فابصرهم و صم فاسمعهم و بکم فانطقهم و أموات فاحیهم بنفحات قدسک انک أنت المقتدر العزيز القويّ العلیم الحکیم

ای دو نفس زکيّه راجعه الی الله، چون ندای هاتف غیبی را بگوش جان شنیدید که میفرماید یا ”ايّتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربّک“ الحمد للّه رجوع الی الله نمودید. و از بیداء هلاک نجات یافته بسر چشمه حیات رسیدید پرده و حجاب دریدید و نور حقیقت دیدید. این از فضل و موهبت حضرت کبریاست که دیده بسته را باز نمود. و از مفازه بی فوز و فلاح بساحل بحر الطاف وارد نمود. حال وقت آنست که آن قوم عنود را از جحود یهود خلاص نمائید. و بجمال موعود هدایت کنید و بر ورد مورود وارد و از رفد مرفود نصیب بخشید و در ظلّ ممدود در آرید و بمقام محمود رسانید.

سبحان الله موعود جمیع کتب و صحف بشروطی مشروط و بعلاماتی مرهون که بظاهر اگر ناس محتجب میشدند بهانه‌ ئی داشتند. مثلا موعود یهود مشروط بخروج از مکان غیر معلوم بود و از جمله شروطش سلطنت غیر محدود و جلوس بر سریر داود و سلّ سیوف و تجهیز الوف و ترویج توراة و تشهیر آیات و تعمیم شریعت موسی و ظهور عدالت کبری تا گرگ و برّه و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله و مار و طفل شیرخواره همدم و هم آشیان و همراز گردند. و این بنصوص قاطعه توراة مسلم در نزد عموم بود. چون حضرت روح الله بنور هدی آفاقرا روشن کرد هیچیک از این شروط و علائم بحسب ظاهر آشکار نگردید. زیرا کلّ این بیانات معانی حقیقی داشت و رموز و اسرار بود. اگر چه یهود انکار نمودند ولی بحسب ظاهر عذری در کار بود و همچنین موعود انجیل باید با خیل و حشمی عظیم و جنود ملائکه علّيّين بر ابری سوار از آسمان بزمین آید و آفتاب و ماه تاریک شود و جوق نجوم بر روی ارض متساقط شود. و آن موعود جلیل با بوق و نفیر و افواج فرشته اثیر از آسمان باینجهان آیند و شرق و غرب را بصوت صافور بیدار و هشیار کنند. لهذا اگر مسیحیان در ظهور جمال محمدی بهانه ئی جستند بحسب ظاهرعذری آوردند. و همچنین موعود فرقان مشروط بعلائم بی پایان بود جابلقا و جابرصا و فتح شرق و غرب و جنوب و شمال و سلطنت قائم و سلطنت سيّدالشهداء و نزول عیسی و ظهور دجّال و قیامت کبری و حشر و نشور و جنّت موعود و نیران ذات الوقود و امثال ذلک علائم لا تحصی بود اگر فرقانیان عذر و بهانه ئی مینمودند در نزد جاهلان مسموع بود.

امّا موعود بیان حضرت اعلی روحی له الفداء چنان واضح و آشکار فرمودند که از برای نفسی نه سرّاً و نه جهارا نه باطنا نه ظاهرا نه معنی نه صورة عذر و بهانه ئی باقی ماند. بنص صریح میفرماید ايّاک ايّاک ان تحتجب بالواحد البیانیه أو بما نزل فی البیان. ملاحظه فرمائید که میفرماید مبادا به بیاناتیکه در آثار نقطه اولی است از او محتجب شوید. یعنی بگوئی که در بیان چنین فرموده و چنان منصوص است. و همچنین میفرماید که مبادا بواحداوّل از او محتجب شوی و واحد اول نفس حضرت اعلی روحی له الفداء. و هیجده حروف حيّ است و یکی از آن حروف حيّ حضرت قدوس است که حضرت اعلی روحی له الفداء بنصّ صریح میفرماید که سیزده واحد از مرایا در ظل حضرت قدوسند. با وجود این میفرماید مبادا بمن و بحروف حيّ از جمال موعود محجوب گردی.

پس ملاحظه گردد که چه قدر تأکید فرموده و میفرماید که در یوم ظهور جمال مقصود مبادا نظر بمن کنید که من تصدیق مینمایم یا نه و بسبب من محتجب از او گردید. یعنی اقبال و تصدیق من و حروف حيّ را منوط و مشروط ندانید. این معلومست که حضرت اعلی روحی له الفداء مبشّر بجمال قدم بودند و مروّج آثار او استغفر الله نسیان بآنعالم پاک راه ندارد تا چه رسد بعصیان. اینکه میفرماید مبادا بمن از او محتجب شوید تصور محالست. با وجود این بجهت تأکید میفرماید و تصریح میکند تا نفسی من بعد نگوید اگر این امر حقّ بود و این موعود موعود بیان البتّه مرآت قبول مینمود و اعتراف میکرد و همچنین مبادا محتجب ببعضی ظواهر بیان بشوند مثل آنکه شده‌اند. از جمله میگویند که توقیعی از حضرت اعلی روحی له الفداء صادر که در مکتب من یظهره الله خوانده شود پس مکتب من یظهره الله کو و سلاطین بیان کجا است و معابد و مساجد بیان کو و علائم و شعائر آن کجا است هنوز مسجدی بر پا نشده معبدی بپا نگشته شریعت بیان ترویج نشده اوامر الهيّه ظاهر نگشته چگونه موعود جدید آمده و من یظهره الله ظاهر شده یا لله انصاف بدهید و چشم اعتساف بپوشید اگر اهل فرقان فریاد بر آرند که حضرت اعلی روحی له الفداء فرمودند من موعود فرقانم و قیامت بر پا شد و طامّه کبری ظاهر گشت ان کان هذا هو القائم الموعود أین سیفه المسلول و أین لوائه المعقود و أین جنوده المجنّده و أين الاعنّة و الاسنّه أین ترویجه للشریعة الغرّاء و أین تعمیمه للطریقة السمحة البیضاء أین طیران النقباء و النجباء و أین اجتماعهم فی أمّ القری أین القیامة الکبری أین المیزان أین الصراط أین الحساب أین الجحیم االمتسعرّة و أين الجنّة المتبهجّة أین الکوثر و السلسبیل و أین الکأس الممزوجة بالکافور و الزنجبیل أین الحوريّات القاصرات الطرف فی الخیام و أین الولدان المخلّدون کانهم لؤلؤ مکنون أین الملائکة الغلاظ الشداد و أین السلاسل و الاغلال و أین و أین و أین.

حضرت اعلی روحی له الفداء میفرمایند که جمیع این شروط و علائم و وقائع در لمح البصر واقع و لکن ناس از مشاهده‌اش محتجب. یا لله أین الانصاف جمیع این وقایع در لمح البصر واقع شد و تأویل داشت و مکتب من یظهره الله قابل تأویل نیست. انصفوا یا قوم ملاحظه کنید که چه قدر غافلند حضرت اعلی ميفرمايند ايّاک ان تحتجب بما نزّل فی البیان این میگوید کو مکتب من یظهره الله ذکر مکتب ما نزّل فی البیان است که میفرماید مبادا بآن محتجب از من یظهره الله گردی باری الحمد لله که حضرت اعلی روحی له الفداء هیچ حجابی نگذاشتند جمیع را خرق فرمودند لکن این قوم عنود مانند عنکبوتند هر چه پرده آنرا بدری فورا پرده جدید بتند زیرا این احتجاب منبعث از کینونت انسانست چون امری از لوازم ذاتيّه شیء باشد انفکاک از آن محال است و علیکم التحيّة و الثناء (ع ع)

